

## بحث در موضوعات حقوقی

# سر بقاء قانون مدنی فرانسه

قسمت اول - تدوین قانون مدنی فرانسه و آثار آن در داخله و خارجه

کتر اتفاق میافتد که کنگره علمی راجع به حقوق مدنی تشکیل شده و مزایای قوانین مدنی سویس و آلمان در آنجا مورد بحث واقع نگردد.

البته مقام علمی این قوانین جدید را هیچکس منکر نیست همه کس میدانند که برای تهیه آن ها زحمات زیادی کشیده شده و مساعی بیشماری بکاررفته است و مخصوصاً از تجربیات سابق استفاده شده و نواقص پیش تا اندازه که ممکن است رفع گردیده است با وجود این باید اذعان کرد قانون مدنی فرانسه که تقریباً در صد و سی سال پیش تدوین شده هنوز مرتبه خود را حفظ کرده و مانند ستاره درخشانی در عالم حقوق دنیا می درخشد.

بجرت میتوان گفت که با تدوین قانون مدنی فرانسه در اوایل قرن نوزدهم کار بزرگی انجام شده و اساس متینی بر روی خرابه های اجتماع قرون سابق برپا گردیده و اغراق نیست اگر بگوئیم که این قانون صفحه جدیدی در تاریخ حقوقی دنیا باز نموده است. گوته فیلسوف بزرگ آلمانی که در جنگ و المی (جنگ بین پروس و فرانسه) چند سال قبل از تدوین قانون مدنی حضور داشت این حقیقت را پیش بینی کرد و گفت

بلوتارک میگوید قانون بر تمام موجودات حکمفرما است منظور مورخ یونانی اینست که بقای هر موجودی بسته بقانون میباشد این کلام نه تنها نسبت بموجودات طبیعی صحیح است بلکه در باره جامعه ها نیز کاملاً صدق میکند. چه تاریخ ثابت مینماید که بقاء هر جامعه با قوانین آن رابطه مستقیم داشته است.

عکس این مطلب نیز بجای خود راست است باین معنی که وقتی سازمان جامعه تجدید شد قوانین آن هم بنوبه خود بصورت نوی در میآید بهمین جهت هر وقت تغییرات سیاسی و اجتماعی در کشور ها رخ داده زمامداران آن ب فکر افتاده اند که در قوانین نیز تغییراتی بدهند مثل اینکه بعد از جنگ ۱۹۱۸ در طرز حکومت اکثر کشورها تحولاتی پیدا شد و همین تحولات موجب تغییرات اساسی در قوانین آنها گردید. قوانین جدید آلمان و ترکیه و ایتالیا و یوگوسلاوی - و رومانی و بالاخره قوانین جدیدی که در ایران وضع میشود مبتنی بر همین اصل است. این قوانین که زائیده نهضت ها و جنبشهای اجتماعی است اهمیت فوق العاده ای پیدا کرده و در محافل حقوقی گفتگوهای بسیاری در اطراف آن ها می شود.

« از امروز و از اینجا مرحله جدیدی در تاریخ دنیا شروع می شود. » همین طور هم شد زیرا با قانون ناپلئون مقررات مندرس قدیمی بکنار گذاشته شد و نظامات جدیدی بر پایه اصول مذکور در اعلامیه حقوق بشر مقرر گردید.

حال ببینیم که این قانون چگونه بوجود آمده است. در سیزدهم اوت ( ۱۸۰۰ ) بدستور ناپلئون کمیونی مرکب از چهار نفر دانشمندان بزرگ تشکیل شد و طرح قبلی قانون مدنی را در ظرف چهار ماه تهیه نمود این طرح در شورای دولتی مطرح گردید و بالاخره بصورت قانون مدنی درآمد مادر اینجا در مقام این نیستیم مواعی را که برای وضع چنین قانونی در پیش بود از نظر خوانندگان بگذرانیم همیتقدر به این حقیقت اکتفا مینمائیم که اگر دخالت شخص ناپلئون نبود مطمئناً قانون مدنی ب نتیجه نمیرسید و هر آینه علاقمندی او نبود هرگز باین زودی این فکر صورت عمل بخود نمیگرفت برای این که منتهی علاقمندی ناپلئون را باین اقدام نشان دهیم همیتقدر کافی است بگوئیم که از صد و دو جلسه شورای دولتی پنجاه و هفت جلسه آن در تحت ریاست خود او تشکیل شد. ناپلئون با کمال شجاعت و شهامت این جلسات را شخصاً اداره میکرد کلیه مواعی را از بین میبرد سخنرانیهائی که اسباب تطویل کار را فراهم میکرد کوتاه مینمود و اغلب خود عقاید روشنی که ناشی از طبع سلیم او بود اظهار میکرد نظریات او ثابت کرد که اگر ناپلئون معلومات و اطلاعات حقوقی نداشت در عوض واجد ذوق سلیمی بوده و بدینوسیله مشکلاتی را که حل آن از عهده متخصصین هم خارج است حل میکرد. مبالغه نکرده ایم اگر بگوئیم که ناپلئون همانطور که در

صحنه جنگ زمام فرماندهی را شخصاً در دست داشت و بتقاط مختلفه جبهه دستور میداد ، کارمندان شورای دولتی را نیز باهوش سرشار و حسن اداره خود هدایت کرده و از بحث های بیهوده جلوگیری می نمود و منازعات لفظی را مانع میشد و بامنطق قوی خود میفهماند که مباحثات علمی فایده ندارد قانون مدنی برای مردم نوشته می شود و به همین جهت باید کاری کرد که از تمام جهات بعمل نزدیک باشد.

باین مقدمه میتوان گفت که فقط در اثر مساعی خستگی ناپذیر ناپلئون بود که بالاخره قانون مدنی فرانسه بمرحله اجراء رسید. بی جهت نیست که وقتی ناپلئون در جزیره سنت هلن محبوس میشود می گوید « افتخار من در این نیست که در چهل جنگ فاتح شده ام بلکه از این جهت مباهات میکنم که بدست من قانونی مثل قانون مدنی فرانسه که از حوادث دهر مصون مانده و همیشه پایدار خواهد بود تهیه شده است. »

قانون مدنی فرانسه در ۱۸۰۴ منتشر شد و آثاری از خود چه در داخل فرانسه و چه در خارج از آن کشور بروز داد. در داخل فرانسه توجه دانشمندان بآن جلب شده و نویسندگان در اطراف مزایای آن قلم فرسائی کردند یکی آنرا کتاب « عقل ملت فرانسه » نام نهاده و دیگری بنام « کتاب قانون ملل متمدن » موسومش کرد.

آلبر سورل میگوید همانطوریکه قواعد بهداشت بدن را سالم نگاه میدارد این قانون هم صلح و صفارا در اجتماع برقرار نموده است. بعضی از علمای فرانسه باین کلمات قناعت نکرده و راه مبالغه را پیمودند و معتقد شدند که تنها منبع حقوق مدنی فرانسه قانون ناپلئون است و بغیر از آن بچیز دیگری نباید نظر داشت و بطور

مجاز اضافه میگردند همانطور که درختان بزرگ جنگلی نهالهای کوچک را که در اطراف آنها واقع شده است تحت الشعاع قرار داده و محکوم بمرک مینماید قانون ناپلئون هم محلی برای سایر منابع حقوقی باقی نگذاشته است و سزاوار نیست با وجود چنین منبع فیض بروشنائیهای کوچک و کم نور متوسل شد. این دسته از دانشمندان کار را بجائی رسانیدند که در مقدمه کتب خود مخصوصاً تصریح مینمودند که موضوع بحث آنها «قانون ناپلئون» است نه «حقوق مدنی» زیرا آنها عقیده مند بودند که حقوق مدنی جز قانون ناپلئون نیست مثل این که دمولومب با وجود فکر بازی که داشت در مقدمه کتاب خود مینویسد «قبل از هر چیز باید عبارات قانون را در نظر گرفت و اضافه نمود که من رساله در باب قانون مدنی تألیف میکنم.»

متأسفانه مزایای قانون ناپلئون باندازه چشم دانشمندان را خیره کرد که از حقایق زندگی غافل شدند و میگفتند احکام کلیه موضوعات در این قانون موجود است و مایبازمند بمراجعه منابع دیگری نیستیم و حال آنکه شرایط زندگی دائمی در تغییر بوده و جامعه هر آنی در تحول میباشد. بالاخره احتیاجات امروز غیر از احتیاجات دیروز است و هر قدر نویسندگان قانون مردمان باتجربه و محتاطی باشند نمیتوانند چیزهایی که از محیط فکر دیروز آنها خارج است و امروز بوجود آمده پیش بینی نمایند. این دانشمندان تمام حواس خود را متوجه مقررات قانون نموده و نواهای مختلفه حیات را که در اطراف آنها نواخته میشد حس نکرده و حاضر نبودند برای حل مسائل آن روز باندیشه دیگری توسل جویند اینها برای رفع اشکال خود فقط عبارت قانون را منظور

داشته و در پی تفسیر تحت اللفظی آن بر می آمدند بدیهی است با این ترتیب حقوق مدنی از عمل دور شده و دیگر با احتیاجات تطبیق نمیکرد. این نوع زیاده روی و مبالغه ها بلافاصله پس از تدوین هر قانونی پیش آمده است مثل اینکه در ۱۹۰۰ وقتی قانون مدنی آلمان منتشر شد دانشمندان تمام نظر خود را بآن متوجه نموده و برای آن مقام بزرگی را قائل شدند ولی کم کم دارند بمعایبش پی میبرند.

آثار قانون مدنی فرانسه در خارج از کشور کمتر از آثار آن در داخله نبود چنانچه احکام آن پس از انتشار بسایر کشورها نیز سرایت کرده و کم و بیش در اغلب نقاط بموقع اجرا گذاشته شد.

نفوذ قانون مدنی فرانسه در خارج بچند طریق انجام گرفت

- ۱- در هر کجا که نیروی ارتش ناپلئون میرسید قانون مدنی هم پشت سر آن وارد میشد بدین طریق کد ناپلئون در بلژیک - لوکزامبورگ - پروس و ایتالیا و هلند اجرا شد.

- ۲- برخی از کشورها بزودی بمزایای قانون نامبرده برخورد و از روی رضا و رغبت اجرای آن را قبول کردند مثل هانور - گراندوشه و رشو و بعضی از کانتونهای سویس مثل کانتون ژنو. بلژیک و لوکزامبورگ هم که از روی اجبار بدو کد ناپلئون را پذیرفتند پس از استقلال آن را ترك نگفته و امروز هم این دو کشور قطع نظر از تغییراتی که در خود فرانسه در آن رویداده همین قانون را بموقع اجراء میگذارند.

- ۳- برخی از کشورها کد ناپلئون را عیناً قبول نکردند ولی از اصول مذکور در آن پیروی نمودند و میتوان گفت که قوانین آنها تحت تأثیر کد ناپلئون وضع شده است مثلاً در پی با (هلند) قانون ۱۸۲۹ مقرر

داشت که پس از تدوین قانون ملی آنجا دیگر قوانین فرانسه بموقع اجرا گذاشته نشود. همین طور هم شد از اجرای قانون مدنی فرانسه خودداری گردید ولی قانون مدنی بعدی از اصول کد ناپلئون اقتباس شده بهمین جهت وقتی دانشمندان و دادگاهها میخواستند معنی ماده را استنباط کنند باز بقانون مدنی فرانسه مراجعه می کردند. در قانون مدنی رومانی - ایتالی (۱۸۰۵) و ژنو (قبل از ۱۹۱۲) نیز اصول قانون ناپلئون مشاهده میگردد. در آسیا و آفریقا و آمریکا نیز قانون مزبور آثاری از خود گذاشته مثل این که حقوق فرانسه هنوز در مصر رواج دارد و اولین لایحه قانون مدنی ژاپون را مسیو واسوناد استاد دانشکده پاریس نگاشته است در کانادا و بولیوی و اورو گوا و آرژانتین نیز کد ناپلئون در موقع قانونگذاری بعنوان نمونه بکار رفته است بعلاوه قانون مدنی ایران تا اندازه از حیث صورت و فصل بندی در تحت تأثیر قانون مدنی فرانسه قرار گرفته است با این ترتیب میتوان گفت که کد ناپلئون جز در کشورهای انگلیسی و آمریکائی و آلمانی کم و بیش در سایر کشورها نفوذ کرده و بهترین معرف علمی اصول قضائی فرانسه بوده است.

پس از تدوین قانون مدنی آلمان در ۱۹۰۰ برخی

تصور کردند که رونق بازار کد ناپلئون کساد شد و با قانون جدیدی مثل کد آلمان دیگر اصول آن رواج نخواهد داشت و با وجود قانون مزبور در تحت الشعاع قرار گرفته و از بین خواهد رفت - تاریخ خلاف این انتظار را نشان داد.

راست است بعد از جنگ ۱۹۱۴ احساسات ملی در اغلب کشورها بحد کمال خود رسیده و این امر نه تنها در جنبشهای اجتماعی و سیاسی مؤثر واقع شده بلکه در قانونگذاری هم تأثیر عمیقی نموده است بهمین جهت دولتها قصد دارند برای خود قوانینی که بر اصول ملی مبتنی باشد بنویسند مثل اینکه در ایتالی در تحت تأثیر همین عامل تازه بعضی از دانشمندان میگویند قانون مدنی آن کشور که در ۱۸۶۵ نوشته شده نسخه بدل قانون مدنی فرانسه است و سزاوار است قانونی در آنجا تدوین گردد که کاملاً مبتنی بر اندیشه های ملی ایتالی بود و هیچگونه رابطه با قوانین کشورهای بیگانه نداشته باشد ولی در عین حال در همین سالهای اخیر هم میتوان گفت که قانون مدنی فرانسه نیروی خود را از دست نداده چنانچه قانون گذاران مراکش و جمهوری لبنان نیز اخیراً از اصول آن اقتباس نموده اند.

دکتر جلال عبده